

**Philosophical-theological explanation of neo-Mu'tazilite political ideas
and neo-Sadr philosophers in order to provide a theoretical
framework for political education in the Islamic world**

Received: 20/11/2022

Accepted: 26/02/2023

Hamid Elieen,^{*} Mahdi Sobhaninejad,^{**}Mohsen Farmahini Farahani,^{***} Mohsen imani^{****}

(113-142)

In the current research, the "theological-philosophical explanation of the political ideas of the New Mu'tazila and the New Sadra philosophers in order to provide the theoretical framework of political education in the Islamic world" has been discussed. research method: Documentary analysis is a progressive conceptual and inferential analysis, during which the works of Muhammad Abdo and Fazlur Rahman Malik from the New Mu'tazila and Imam Khomeini and Allameh Tabatabai from the Neo-Sadrai philosophers were examined and a total of 11 bases of common ontology, 13 bases of common anthropology, 6 bases Common epistemology and 5 bases of common values in line with political education have been extracted from the perspective of thinkers. In addition, 18 common components of political education in four categories: In order to draw the theoretical framework of political education for the Islamic world, it has been deduced that it is based on the goal, the foundation, the social life, and the personal behavior. The results showed: In spite of some differences, the viewpoints of Neo-Mutz Leh thinkers (Abdah and Fazlur Rahman Malik) as well as Neo-Sadrai thinkers (Imam Khomeini and Allameh Tabatabai) in the field of political education have the necessary alignments to formulate a theoretical framework of political education for the Islamic world. Is. If the aforementioned deductive theoretical framework is included in the agenda of the political education and training systems of Islamic countries, it will cultivate activists who will have more significant alignment and unity of opinion and action for the progress and development of the Islamic world.

Keywords: Verbal thoughts :Neo Mu'tazilite :newly released :Theoretical Framework :Political education.

* . Ph.D. Student in Philosophy of Education, the Department of Educational Sciences, Shahed University, Tehran, Iran. E-mail: hamideliien@gmail.com.

** . Associate Professor, Department of Educational Sciences, Shahed University, Tehran, Iran (Corresponding Author), sobhaninejad@shahed.ac.ir.

*** . Associate Professor, Department of Educational Sciences, Shahed University, Tehran, Iran: farmahinifar@yahoo.com.

**** . Associate Professor, Department of Educational Sciences, Tarbiyat Modares University, Tehran, Iran, eimanim@modares.ac.ir.



سال دهم / شماره بیست و دوم / پاییز و زمستان ۱۴۰۱

سیارستاری

تبیین فلسفی - کلامی اندیشه‌های سیاسی نومعتزله و فلاسفه نوصدرایی به منظور ارائه چارچوب نظری تربیت سیاسی در جهان اسلام*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۷

حمید علیین**، مهدی سبحانی نژاد،***
محسن فرمهینی فراهانی،**** محسن ایمانی*****
(۱۱۳-۱۴۲)

چکیده

در پژوهش حاضر به «تبیین فلسفی - کلامی اندیشه‌های سیاسی نومعتزله و فلاسفه نوصدرایی به منظور ارائه چارچوب نظری تربیت سیاسی در جهان اسلام» پرداخته شده است. روش پژوهش؛ تحلیل اسنادی، تحلیل مفهومی و استنتاجی پیش رونده بوده و طی آن آثار محمد عبده و فضل الرحمن ملک از نومعتزله و امام خمینی علیه السلام و علامه طباطبایی علیه السلام از فلاسفه نوصدرایی، بررسی و در مجموع ۱۱ مبنای هستی‌شناسی مشترک، ۱۳ مبنای انسان‌شناسی مشترک، ۶ مبنای معرفت‌شناسی مشترک و ۵ مبنای ارزش‌شناسی مشترک در راستای تربیت سیاسی از دید اندیشمندان دو نحله استخراج شده است. به علاوه ۱۸ مؤلفه مشترک تربیت سیاسی در چهار دسته؛ ناظر به هدف، زمینه‌ساز، ناظر به زیست اجتماعی و ناظر به سلوک شخصی نیز به منظور ترسیم چارچوب نظری تربیت سیاسی برای جهان اسلام، استنتاج شده است. نتایج نشان داد؛ به‌رغم برخی اختلاف‌ها، دیدگاه

*. این مقاله مستخرج از رساله دکتری به راهنمایی نویسنده مسئول در رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد است.

** . دانشجوی دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شاهد، تهران، ایران، hamideliien@gmail.com .

*** . دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، sobhaninejad@shahed.ac.ir .

**** . دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران، farmahinifar@yahoo.com .

***** . دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، eimanim@modares.ac.ir .

اندیشمندان نومعتزله (عبده و فضل الرحمن ملک) و نیز متفکران نوصدرایی (امام خمینی و علامه طباطبایی) در حوزه تربیت سیاسی در ذات خود، واجد همسویی‌های لازم برای تدوین چارچوب نظری تربیت سیاسی برای جهان اسلام می‌باشد. چارچوب نظری استنتاجی مذکور اگر در دستور کار نظام‌های آموزش و تربیت سیاسی ممالک اسلامی واقع شود، پرورش دهنده کنشگرانی خواهد شد که همسویی و وحدت نظر و عمل قابل توجه‌تری برای پیشرفت و توسعه جهان اسلام، خواهند داشت.

واژگان کلیدی: اندیشه‌های کلامی؛ نومعتزله؛ نوصدرایی؛ چارچوب نظری؛ تربیت سیاسی.

مقدمه و بیان مسئله

تربیت سیاسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیت (مرزوقی، ۱۳۷۹، ۷) باعث رشد بینش و بالندگی اندیشه متر بیان شده، در آن‌ها توانایی داشتن اندیشه مستقل سیاسی، توسعه دیدگاه‌های فردی و اجتماعی در خصوص اعتقادات، ارزش‌ها و عواطف سیاسی را به وجود می‌آورد که نتیجه خودآگاهی نسبت به موقعیت سیاسی در جامعه و جهان و ایفای نقش فعال و مستمر در امور اجتماعی و شهروندی و نزع و بالندگی اجتماعی و طراوت فعالیت‌های اجتماعی است (طحان، ۱۳۸۱، ۳۶).

به دلیل اهمیت تربیت سیاسی نظریه‌ها و تعاریف متعددی از سوی صاحب‌نظران با گرایش‌های مختلف، برای آن ارائه شده، مثلاً موريس دوورژه، تربیت سیاسی را؛ فرآیند آموزش سیاسی، تنظیم گرایش‌های افراد به نظام سیاسی و ایجاد همگونی اجتماعی که هدف نهایی سیاست است، می‌داند (دوورژه، ۱۳۶۹). جان الیاس «تربیت سیاسی را ایجاد زمینه شکوفایی فضیلت‌ها، علوم و مهارت‌های موردنیاز برای آماده نمودن اشخاص برای شرکت در بازسازی هوشمندانه جامعه خویش تعریف نموده» (الیاس، ۱۳۸۵، ۱۸۰) و کازمیا و ماسیلاس تربیت سیاسی را فرآیندی می‌دانند که از طریق آن افراد جهت‌گیری سیاسی خود نسبت به جامعه را کسب می‌کنند (کازمیا، ۱۹۶۵) و ماسیلاس (۱۹۶۹) به نقل از علاقه‌بند، (۱۳۷۵).

در نزد اکثر اندیشمندان مسلمان مفاهیم سیاست و تربیت درهم‌آمیخته‌اند مثلاً فارابی

معتقد است سیاست به معنای تربیت و پرورش مردمان مدینه فاضله است و هدف از تأدیپ شهروندان مدینه، برپایی نظم الهی در مدینه انسانی است (چاوشی و احسانی، ۱۳۹۲، ۱۶: ۸۸). و یا از نظر علامه محمدتقی جعفری «سیاست به معنای حقیقی آن، عبارت است از مدیریت و توجیه و تنظیم زندگی اجتماعی انسان‌ها، در مسیر حیات معقول» (جعفری، ۱۳۶۹، ۴۹). استاد مطهری نیز تربیت سیاسی را در حوزه تدبیر مدن و شاخه‌ای از حکمت عملی دانسته و از آن به‌عنوان اندیشه‌هایی یاد می‌کند که خود اجتماعی انسان آن‌ها را برای رسیدن به کمالات و اهداف خود، می‌آفریند (مطهری، ۱۳۹۰، ۳۶).

پیرامون تربیت سیاسی، و کارکردهای آن مطالعات مختلفی در کشور ما و دیگر کشورهای دنیا صورت گرفته که نشان از اهمیت این بعد تربیت دارد. به عنوان مثال در خارج از کشور: هنینگ^۱ و زاوالا^۲ در پژوهش «نقش معلمان به‌عنوان عاملان تربیت سیاسی در شکل‌گیری جامعه» به بررسی تأثیر چگونگی انجام تربیت سیاسی که توسط معلمان در مدارس به اجرا درمی‌آید، بر نحوه شکل‌گیری گروه‌ها و دستجات محلی پرداخته اند (Zavala and Henning 2017). اولتر^۳ در پژوهش «تربیت سیاسی کودکان خردسال» به اهمیت زمینه‌سازی برای تربیت سیاسی کودکان در ضمن مطالعات اجتماعی از کلاس اول دبستان تأکید کرده است (Utler 2021).

در کشور ما عابدینی، بهشتی و رشیدی در پژوهش خود به بررسی تربیت سیاسی با عنایت به آموزه‌های سوره‌های محمد، فتح و حجرات پرداخته و به استخراج مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی مبادرت نموده‌اند (عابدینی، بهشتی و رشیدی، ۱۳۹۹). عبدالله نسب و کیخا در پژوهش خود که درباره تربیت سیاسی در اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای انجام داده‌اند، مفاهیمی همچون عدالت‌خواهی، مشارکت‌طلبی، آزادی‌خواهی و مسئولیت‌پذیری را از اصول بنیادین تربیت سیاسی اسلامی از نظر ایشان اعلام کرده‌اند (عبدالله

-
1. Henning
 2. Zavala
 3. Utler

نسب و کیخا، ۱۳۹۹).

از یکسو با مرور پژوهش‌هایی که در داخل و یا خارج از کشور در خصوص تربیت سیاسی انجام شده مشخص می‌شود، در کمتر پژوهشی به مضامین تربیت سیاسی در اندیشه‌های فلاسفه پرداخته شده، و از سوی دیگر، با آنکه مهم‌ترین دغدغه بسیاری از روشنفکران دینی و علمای اسلامی ارائه راهکار برای اتحاد جامعه مسلمین در اقصی نقاط دنیا بوده، به نقشی که تربیت سیاسی مشترک و مورد قبول عموم مردم و دولت‌های کشورهای مسلمان می‌تواند در همگرایی و کاهش اختلاف‌ها داشته باشد کمتر توجه شده است.

این پژوهش با این ایده که علیرغم برخی تفاوت‌ها، اندیشه‌های متفکران دو نحله فلسفی - کلامی نومعتزله و نوصدرایی ظرفیت لازم برای تدوین نظام تربیت سیاسی مشترک را دارند، درصدد است با تبیین اندیشه‌های فلسفی - کلامی اندیشمندان هر یک از این دو نحله در زمینه تربیت سیاسی و استخراج وجوه مشترک آن‌ها در این عرصه، به استنتاج چارچوب نظری تربیت سیاسی برای جهان اسلام بپردازد تا بدین وسیله در حد توان خود به همگرایی هر چه بیشتر جوامع اسلامی در دنیای امروز کمک دهد.

هدف اصلی پژوهش حاضر تبیین فلسفی - کلامی اندیشه‌های سیاسی نومعتزله و نوصدرایی به منظور ارائه چارچوب نظری تربیت سیاسی مشترک برای جهان اسلام (اعم از اهل تسنن و تشیع) است. لذا با توجه به این هدف، محمد عبده و فضل الرحمن ملک از اندیشمندان شاخص نومعتزله و علامه طباطبایی و امام خمینی از متفکران برجسته نوصدرایی برای بررسی اندیشه‌هایشان در این پژوهش برگزیده شده‌اند.

چون هدف در این پژوهش استفاده از مشترکات اندیشه‌های سیاسی هر دو مکتب فلسفی - کلامی نومعتزله و نوصدرایی بوده متفکرانی از دو مکتب انتخاب شده‌اند که اندیشه‌های آنان در میان همفکران خود از مقبولیت عمومی برخوردار بوده و درای بیشترین اشتراکات فکری در خصوص تربیت سیاسی با یکدیگر باشند

مبانی نظری

در این بخش به صورت کاملاً مختصر به مبانی نظری این پژوهش اشاره شده است.

تربیت سیاسی

تربیت سیاسی فرآیندی است که به تربیت افراد اندیشمند، منتقد، خیرخواه جامعه، و عمل‌گرا در بهینه‌سازی امور جامعه منتهی می‌شود (طحان، ۱۳۸۱، ۳۶). با این تعریف تربیت سیاسی متضمن رشد و توسعه فردی و اجتماعی در خصوص اعتقادات، ارزش‌ها و عواطف سیاسی متریان شده و خودآگاهی نسبی فرد نسبت به موقعیت سیاسی اش در جامعه و جهان را به دنبال خواهد داشت. در نگاه اسلامی، سیاست به معنای مدیریت و توجیه و تنظیم زندگی اجتماعی انسان‌ها، در مسیر حیات معقول (جعفری، ۱۳۶۹، ۴۹) و هدایت جامعه برای رسیدن به مصالح دنیوی و اخروی بوده (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ۱۳: ۱۴۳) و غایت تربیت و سیاست در اسلام، رسانیدن انسان به مقام قرب الهی و پرورش عبد صالح است (شریعتمداری، ۱۳۷۲، ۸۳). شأن تربیت سیاسی به مراتب والاتر از توسعه شناخت افراد نسبت به روابط سیاسی در جامعه تعریف شده، و کارکرد اصلی آن در این نگاه، هموار کردن مسیر تعالی فرد و اجتماع است.

نومعتزله

نومعتزله تفکر غالب در نواندیشی دینی در فضای فکری کشورهای اسلامی اهل سنت است که با پیشگامی سید جمال‌الدین اسدآبادی و پیگیری شیخ محمد عبده (۱۲۶۶-۱۳۲۳ق) با رواج عقل‌گرایی، و استفاده از استدلال‌های معتزله جهت اثبات اینکه اسلام نه ضد علم است و نه جبرگرا در مصر پایه‌گذاری شد (عرب‌صالحی، ۱۳۹۳، ۴۶؛ بو عمران، ۱۳۸۲، ۱۴). اندیشه‌های شیخ محمد عبده، از جمله تفسیر عقلانی قرآن، اختیارداری انسان، حسن و قبح عقلی تأکید بر عدالت و توحید (حنفی، ۱۹۸۸م: ۱۶) محور اندیشه‌های نواندیشان دینی بعد از او در جریان فکری نومعتزله است (وصفی، ۱۳۸۷، ۱۷؛ عبده، ۲۰۰۵، ۴۷ و ۵۸؛ حنفی، ۱۹۸۸، ۱۶). تقریباً همه اندیشمندان نومعتزله مهم‌ترین رسالت خود را در نشان دادن اسلام به عنوان یک دین مرفعی که می‌تواند ضامن پویایی و توسعه جوامع اسلامی در همه امور زندگی فردی و اجتماعی باشد می‌دانند. اکثراً معتقدند آنچه می‌تواند باعث شکوفایی دوباره تمدن اسلامی شده و پیشرفت اجتماعی، فرهنگی، علمی و صنعتی جوامع اسلامی را به دنبال داشته باشد ترویج عقلانیت در همه سطوح جامعه است.

اما آنچه از دوره امین الخولی به بعد، برخلاف نظر اسلافشان در مورد عقل — که حیطه آن را نامحدود نمی‌دانستند — در میان نومعترزه شکل گرفت پذیرش عقلانیت مدرن غربی به عنوان عامل پیشرفت جوامع غربی است (حنفی، ۱۳۷۵، ۳: ۴۱) که نتیجه آن قرائت‌های مختلف از دین و نقد سنت‌های اسلامی و ارائه تفسیر جدیدی از دین شد (عرب صالحی، ۱۳۹۳، ۱۷). آثاری نظیری نقد عقل عربی و نوسازی از محمد عابد الجابری (۲۰۱۰-۱۹۳۶)، پسا-ساختارگرایی و فرانوگرایی نوشته محمد آرکون (۲۰۱۰-۱۹۳۶)، هرمنوتیک انسان‌گرا و نقد گفتمان دینی و نقد عقل دینی به قلم نصر حامد ابوزید (۲۰۱۰-۱۹۴۳)، بازگشت به سنت و نوسازی اثر حسن حنفی (۲۰۲۱-۱۹۳۵) و فمینیسم اسلامی نگاشته شده توسط لیلا احمد (۱۹۹۲)، نمونه‌های این حرکت است. در این بین، فضل الرحمن با پذیرش محدودیت‌های عقل و نیازش به وحی برای کامل شدن و نیز عدم پذیرش سکولاریسم، با سنت‌گرایی نو خواستار توجه بیشتر اندیشمندان و فلاسفه به مباحث اخلاقی شده و معتقد بود برای پیشرفت جامعه مسلمانان باید در روش تفسیر قرآن تجدیدنظر شود. هرمنوتیک دوم‌مرحله‌ای که وی برای استفاده از آیات قرآن در اداره جامعه ارائه کرده، تلاشی در این جهت است (آزاد، ۱۳۸۸، ۱۹: ۱۳۳).

نوصدرایی

جریان نوصدرایی به عنوان اندیشه غالب در فضای فکری و فلسفی شیعی در ایران، چهره نوین حکمت متعالیه در مقابله با چالش‌های دنیای معاصر است — که از آن به عنوان «عقل‌گرایی اسلامی» (خسروپناه، ۱۳۸۳) و «گفتمان مجدد» (رشاد، ۱۳۷۷) هم یاد می‌شود. تأکید بر رئالیسم معرفتی، جامعیت اسلام، عقلانیت (خسروپناه، ۱۳۸۳)، نظام مندی ذاتی جهان (جوادی آملی، ۱۳۶۱)، حاکمیت نظام علت و معلولی بر همه ارکان جهان هستی (صدر الدین شیرازی، ۱۳۷۴، ۴۱۸)، نگاه به انسان به عنوان موجودی ذاتاً اجتماعی (صدر الدین شیرازی، ۱۳۷۴، ۴۸۸؛ مطهری، ۱۳۸۴، ۳۳۲) و لزوم بسط عدالت و عقلانیت و التزام به قانون (شرع) در اجتماع (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ۱۴۲-۱۶۴) از ویژگی‌هایی مکتب نوصدرایی است که در نیم‌قرن اخیر ضمن پاسخگویی به شبهات و حملات متعدد مکاتبی همچون مارکسیسم، در صدد احیای حکمت متعالیه بوده است. این

تبیین فلسفی - کلامی اندیشه‌های سیاسی نومعتزله و فلاسفه... - حمید علیین (۱۴۲-۱۱۳) / ۱۱۹

جریان فکری به عنوان يك مکتب فلسفی و نظریه غالب، سیاست برگزیده و تربیت سیاسی منبعث از تفکر اسلامی در کشورمان را پشتیبانی نموده و مبانی نظام سیاسی در کشور را استحکام بخشیده است. در واقع، می توان گفت فصل مشترك هر دو جریان نواندیشی دینی تلاش برای اعتلای کشورهای اسلامی است.

با عنایت به زمینه های فوق، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که تبیین فلسفی - کلامی اندیشه های سیاسی نومعتزله (محمد عبده، فضل الرحمن ملک) حاوی چه نکاتی است؟ همچنین تبیین فلسفی - کلامی اندیشه های سیاسی نوصدرایی (امام خمینی؛ و علامه سید محمد حسین طباطبایی؛) حاوی چه نکاتی است؟ به علاوه چارچوب نظری تربیت سیاسی برای جهان اسلام مستخرج از تبیین فلسفی - کلامی اندیشه های سیاسی نومعتزله و نوصدرایی، چگونه خواهد بود؟

پیشینه پژوهش

در خصوص تربیت سیاسی از منظر متفکران نومعتزله و فیلسوفان نوصدرایی پژوهشی در داخل و یا خارج از کشور مشاهده نشد. در این بخش به برخی از پژوهش ها در خصوص تربیت سیاسی، اندیشه های نومعتزله و اندیشه های فلاسفه نوصدرایی که می توانند در رسیدن به پاسخ سؤال های این پژوهش راه گشا باشند، اشاره می گردد.

تحقیقات داخلی

عبداله نسب و کیخا (۱۳۹۹) در پژوهش خود که درباره تربیت سیاسی در اندیشه های آیت الله خامنه ای انجام داده اند، مفاهیمی همچون عدالت خواهی، مشارکت طلبی، آزادی خواهی و مسئولیت پذیری را از اصول بنیادین تربیت سیاسی اسلامی معرفی می کنند (عبداله نسب و کیخا، ۱۳۹۹).

مطیعی، محمدرضایی و بداشتی در پژوهشی به بررسی نظرات ابوزید در تأویل قرآن و نقد آن بوسیله آراء علامه طباطبایی پرداخته و بیان داشته اند که ابوزید راهکار فهم درست قرآن را تأویل می داند و تأویل از نظر او با آنچه طباطبایی تأویل می داند، به لحاظ معنا و مفهوم تفاوت ماهوی و عمیقی دارد (مطیعی، محمد رضایی و اله بداشتی، ۱۳۹۹).

عالم‌گرد و جباری در پژوهشی به بررسی تربیت سیاسی از منظر معتزله اقدام کرده و نوشته‌اند: «معتزله، رویکرد فعالی نسبت به تربیت و ابعاد مختلف آن از جمله تربیت مدنی و سیاسی دارد که مبتنی بر اختیار، آزادی و عقلانیت انسان است» (عالم‌گرد و جباری، ۱۳۹۷).

حاجی میرزایی در پایان‌نامه خود که درباره اندیشه‌های حسن حنفی است گفته او رویکردی عقل‌گرایانه برای مواجهه با چالش‌های جامعه اسلامی در پیش گرفته و از پدیدارشناسی توصیفی به عنوان یک روش مطبوع در ارائه نواندیشی دینی خود بهره می‌برد (حاجی میرزایی، ۱۳۹۷).

باجلان در پژوهش خود با عنوان «جریان شناسی نو صدرایی در ایران» علت ظهور و نزع گرفتن مکتب نو صدرایی در کشورمان را، گسترش جریان‌های هم‌چون اخباریگری و عرفان‌های نوظهور از یکسو، و از سوی دیگر رواج فلسفه مارکسیسم و مادی‌گرایی، و تهاجم آن‌ها به کشورهای اسلامی به ویژه ایران می‌داند که باعث گردیده علامه طباطبایی و تعدادی از شاگردان ایشان با تکیه بر مبانی اندیشه‌های صدرایی، به بررسی و کشف مبانی و اصول اندیشه‌های جریان‌های مذکور پرداخته، درصدد پاسخگویی به شبهات آنان برآیند و در جریان این تلاش‌ها نوآوری‌هایی در فلسفه صدرایی به وجود آمده است. از این رو این جریان به نو صدرایی ملقب شده است (باجلان، ۱۳۹۷).

ولوی و همکارانش در پژوهش خود با عنوان «اندیشه‌های نو معتزله و تعلیم و تربیت» به این نتیجه رسیده‌اند که دغدغه اصلی اندیشمندان نو معتزله ارائه راه‌حل‌هایی برای جبران عقب‌ماندگی جوامع اسلامی بوده و اینکه علت عقب‌ماندگی کشورهای مسلمان، دین اسلام نیست بلکه تفسیرها و فهم نادرست از آموزه‌های اسلامی و نادیده گرفتن جایگاه عقل، علت عدم پیشرفت کشورهای اسلامی است (ولوی و دیگران، ۱۳۹۶).

لطیفی در پژوهش خود با عنوان «اندیشه سیاسی آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی؛» به این نتیجه رسیده است که در نظام سیاسی مطلوب از نظر آیت‌الله مصباح یزدی؛ «دانش بر قدرت تقدم دارد» که مبنای این نظریه؛ آموزه‌های فلسفه اسلامی و مشخصاً حکمت متعالیه است. از نظر ایشان حکومت اسلامی از اساس بر پایه امامت و ولایت استوار است و در دوره

غیبت امام معصوم ۷ زعامت امت اسلامی با فقیه جامع‌الشرایط می‌باشد که آشنا به امور است (لطیفی، ۱۳۹۵).

پژوهش‌های خارجی

زینی^۱ در پژوهش خود با عنوان «روش‌ها و اندیشه‌ها در کلام اسلامی» به این نتیجه رسیده است که شکل‌گیری و ظهور جریان‌های کلامی همچون نومعتزله حول محور کلام اسلامی، بدلیل عوامل و اقتضائات سیاسی جوامع اسلامی است (Zaini 2020).

رحمن در پژوهش خود با عنوان «بین معتزله‌های کلاسیک و نومعتزله: تحلیلی از اندیشه اسلامی مدرن هارون ناسوتین در اندونزی» می‌نویسد: «اخیراً، مکاتب کلاسیک کلام اسلامی، به‌ویژه از نظر تأثیر منفی، عموماً با جریان‌های مدرن گوناگونی مانند نوخوارج و نومعتزله همراه است. او هارون ناسوتین اندونزیایی را به‌عنوان نمونه‌ای از یک محقق نو معتزلی در نظر گرفته است و استدلال می‌کند که روح اصلی معتزله توسط هارون ناسوتین به‌طور دقیق نشان داده نشده است» (Rahman 2020).

آدم^۲ و آلتین^۳ (۲۰۱۹ : ۳۶-۲۱) در تحقیق خود با عنوان «تحلیلی بر ظهور، تکامل و عقاید معتزله در پرتو دیدگاه اسلام» بیان می‌کنند که معتزله به‌عنوان یکی از مکاتب عقل‌گرای کلامی، در قرن هشتم هجری به علت اختلاف دیدگاه میان اندیشمندان مسلمان بر سر موقعیت انسان بعد از ارتکاب گناه کبیره به وجود آمده است. در اندیشه معتزله، بنابر اصل «المنزلة بین المنزلتین» چنین شخصی نه مسلمان است و نه غیر مسلمان (Altine and Adam 2019).

مارتین^۴ و وودوارد^۵ و آتماجا^۶ در پژوهش خود معتزله را از نخستین جریان‌های عقل‌گرای

1. Zaini

2. Adam

3. Altine

4. Martin

5. Woodward

6. Atmaja

اسلامی معرفی کرده و مهم‌ترین وجه اشتراک معتزله و نو معتزله را عقل‌گرایی می‌دانند. آنگاه به بررسی آراء معتزله و اختلافات آن با اعتزال نو پرداخته و مهم‌ترین وجه تمایز معتزله و نو معتزله را نیز در حیطة کاربرد عقل از منظر این دو جریان می‌دانند. در معتزله عقل محدود و متکی بر وحی است اما در نو اعتزال عقل خود بنیان است و اتکا به غیر خود ندارد (Martin, Woodward, and Atmaja 1997).

روش تحقیق

روش این پژوهش کیفی است. در بررسی سؤال‌های اول و دوم روش پژوهش؛ تحلیل اسنادی، و تحلیل مفهومی بوده و در بررسی سؤال سوم پژوهش از «استنتاج پیش‌رونده» استفاده گردیده است. در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع از فرم فیش‌برداری برای مطالعه اسناد و مدارک استفاده شده و عملیات فیش‌برداری شامل: الف) موضوع نویسی عام و خاص، ب) کدگذاری موضوعات، پ) شماره‌گذاری فیش‌ها و ذکر تعداد آن‌ها، ت) ذکر تاریخ و مکان فیش بوده است. جامعه در این پژوهش تمامی منابع و اسناد مکتوب دست‌اول و دوم مربوط به محمد عبده و فضل الرحمن ملک از نو معتزله و نیز امام خمینی؛ و علامه طباطبایی؛ از فلاسفه نوصدرایی بوده و با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند آثار محمد عبده و فضل الرحمن ملک از اندیشمندان نو معتزله و آثار امام خمینی؛ و علامه طباطبایی؛ از اندیشمندان نوصدرایی در رابطه با تربیت سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است.

سؤال‌های پژوهش

- ۱- اندیشه‌های فلسفی و کلامی نو معتزله (محمد عبده و فضل الرحمن ملک) در زمینه تربیت سیاسی چیست؟
- ۲- اندیشه‌های فلاسفه نوصدرایی (امام خمینی و علامه طباطبایی) در زمینه تربیت سیاسی چیست؟
- ۳- چارچوب نظری تربیت سیاسی برای جهان اسلام مستخرج از اندیشه‌های فلسفی - کلامی نو معتزله و فلاسفه نوصدرایی چگونه قابل ارائه است؟

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

سؤال اول: اندیشه‌های فلسفی و کلامی نومعتزله (محمد عبده و فضل الرحمن ملک) در زمینه تربیت سیاسی چیست؟

برای دستیابی به اندیشه‌های فلسفی و کلامی نومعتزله (محمد عبده و فضل الرحمن ملک) در زمینه تربیت سیاسی، با مرور اندیشه‌های فلسفی و کلامی اندیشمندان نومعتزله ذیل چهار حوزه هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی با تعیین موضوعات مورد بحث در تربیت سیاسی در ذیل این حوزه‌ها پرداخته و آنگاه با بحث ذیل هر یک از موضوعات در هر حوزه به استخراج مبانی تربیت سیاسی ذیل هر یک از حوزه‌ها اقدام شد که نتایج به شرح آتی است.

هستی‌شناسی:

اساس هستی‌شناسی نومعتزله توحید است (عبده، ۱۳۷۴، ۲۵). از منظر این جریان فکری خداوند مظهر عدالت در قضاوت، رحمانیت با خلق (ابوزید، ۱۳۸۹، ۱۲)، خالقیت جهان و حفاظت از آن، هدایت‌گر انسان و داور اعمال فردی و اجتماعی او و مرکز ثقل متعالی صفاتی چون حیات، قدرت، رحمت، و ارزش‌های اخلاقی است (فضل الرحمن، ۱۳۹۷، ۲۱). «هستی مخلوق، مسخر و وابسته به خدا، منظم و در حال تغییر است» (فضل الرحمن، ۱۳۹۷، ۲۵-۳۸). خلقت بر اساس «اندازه‌گیری»، «نظم» و تقدیر خاص انجام شده است (فضل الرحمن، ۱۳۹۷، ۳۶). سهم هر مخلوق به او از خلقت عطا شده (فضل الرحمن، ۱۳۹۷، ۳۷). نومعتزله به وجود هر دو جهان اعتقاد دارند اما اکثراً متافیزیک را غیرقابل دسترسی برای فهم بشر می‌دانند (ابوزید، ۱۳۹۴، ۱۰۰).

انسان‌شناسی:

در نگاه معتزله انسان برترین مخلوق، جانشین خدا بر زمین، آزاد، مکلف، صاحب اختیار و نیازمند به تربیت در مسائل دینی و اجتماعی، حامل روح خدا، اجتماعی، عقل‌مند، نیازمند به مشورت و استفاده از وحی، دارای فطرت الهی و پاک، دوبعدی مادی و روحانی، متمایل به خیر، عشق و صلح و آزادی است (فضل الرحمن، ۱۳۹۷، ۴۳-۴۴؛ عبده و رضا،

۱۹۹۰، ۱: ۲۱۵-۲۱۷؛ عبده، ۱۳۵۳، ۸۰-۸۵؛ الجندی، ۱۹۸۷، ۳۸۲؛ شریف، ۱۳۷۰، ۱۰۶-۲۱۵). در خوانش این جریان فکری راهبرد قرآن فاصله گرفتن از قومیت و ایجاد عدالت و نظم اجتماعی بوده و انسان‌ها دارای حقوق برابر می‌باشند (فضل الرحمن، ۱۳۹۷، ۸۵-۸۶).

معرفت‌شناسی:

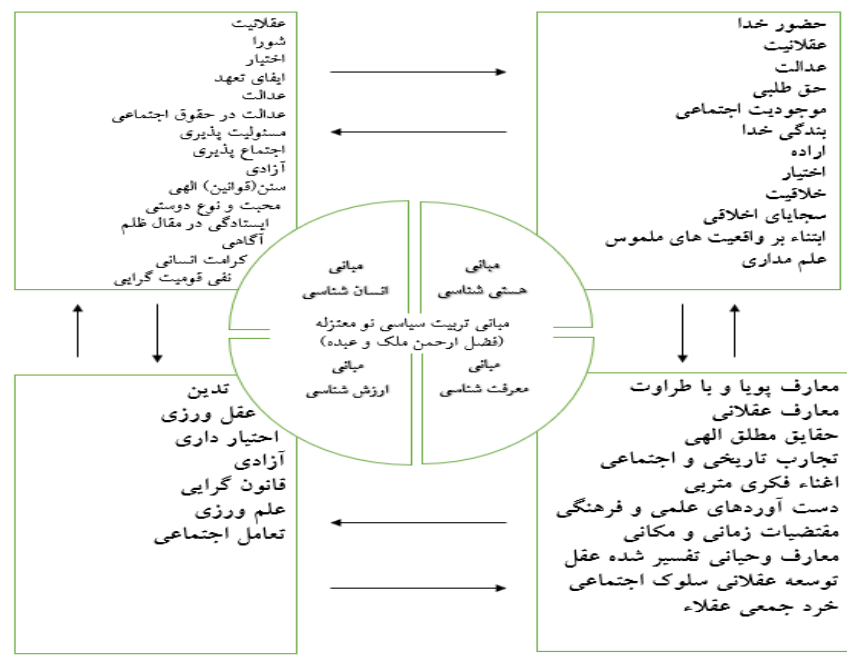
مبنای شناخت در نومعتزله بر اساس توجیه و استدلال عقلانی شکل گرفته است (عبده، ۱۳۵۳، ۱۲۶-۱۲۷؛ عبده، ۱۹۸۹، ۱۰۵-۱۲۵؛ فضل الرحمن، ۱۳۹۷، الف، ۳۷). عقل، برهان و استدلال، اجتهاد و تأویل و استنباط (هرمنوتیک دومرحله‌ای) (فضل الرحمن ب، ۱۳۹۷: ۱۲۲-۲۷) از مهم‌ترین ابزار کسب معرفت در نومعتزله به شمار می‌آیند (ابوزید، ۱۳۹۴، ۱۱۲؛ عبده، ۱۳۵۳، ۶۵ و ۱۶۵؛ فضل الرحمن، ۱۳۹۷، ۲۷-۱۲۲؛ عماره، ۱۴۱۴، ۳: ۱۵۹).

ارزش‌شناسی:

دیانت، عقل‌ورزی، گسترش عدالت، اختیارداری، قانون‌گرایی، تعامل جمعی، علم‌ورزی، آزادی از اغیار، روزآمدی آموزه‌های دینی و وفق و مدارا از ارزش‌های مصرح در ارزش‌شناسی اندیشمندان نومعتزله است (عبده، ۱۳۷۴، ۵۶-۶۴ و ۷۳؛ عماره، ۱۴۱۴، ۳: ۴۲۳؛ شریف، ۱۳۷۰، ۴: ۱۱۲؛ فضل الرحمن، ۱۳۹۷، ۳۰-۴۵؛ فضل الرحمن، الف، ۲۸؛ حلبی، ۱۳۹۸، ۷۱-۷۲؛ عبده، ۱۹۸۹، ۱۸۸؛ دریایی، ۱۳۶۲، ۱۸۸؛ عبده، ۱۹۸۹، ۵۶؛ خدوری، ۱۳۷۶، ۷۷؛ الجندی، ۱۹۸۷، ۱۹۶؛ Muhammad 2012, 203).

با بررسی انجام شده در حوزه‌های چهارگانه، سیزده مبنای هستی‌شناسی، شانزده مبنای انسان‌شناسی، ده مبنای معرفت‌شناسی و هشت مبنای ارزش‌شناسی برای تربیت سیاسی از منظر نومعتزله استخراج شده است که در نمودار ذیل به نمایش درآمده است.

نمودار شماره ۱. جمع‌بندی اندیشه‌های فلسفی و کلامی نومعتزله
(محمد عبده و فضل الرحمن ملک) در زمینه تربیت سیاسی.



(منبع: یافته‌های پژوهش)

جمع‌بندی اندیشه‌های فلسفی و کلامی نومعتزله (محمد عبده و فضل الرحمن ملک) در زمینه تربیت سیاسی مبین آن است که عبده متکلمی است که در قامت یک مصلح اجتماعی از ظرفیت‌های دینی برای هدایت جامعه اسلامی زمان خود استفاده کرده است (اسدآبادی و عبده، ۱۳۸۳، ۲۹۲). در آثار متعدد عبده تعریف صریحی از تربیت سیاسی یافت نمی‌شود، اما با توجه به تعریفش از سیاست واقعی، کوشش‌هایش در تربیت و آشناسازی توده‌های مردم با آموزه‌های دینی، فعالیت‌هایش در مقابله با استبداد داخلی و استعمار خارجی و اهتمامش در نیل به پیشرفت و اعتلای جامعه، می‌توان گفت عبده تربیت سیاسی را بازگشت به آموزه‌های اصیل دینی و یاری گرفتن از آن در مواجهه با مسائل اجتماعی می‌داند. او که یکی از پیشگامان اصلاح اندیشه اسلامی است، معتقد بود با اصلاح نظام تعلیم و تربیت می‌توان جامعه را اصلاح نمود (عبده، ۱۹۸۹، ۱۵۶) و آموزش و پرورش و تربیت دینی جامعه بر هر حرکت سیاسی تقدم دارد وی که خواهان اصلاح

تدریجی امور بود با استفاده از مجموعه‌ای از ابزار و روش‌ها همچون اصلاح کتاب‌های علمی و روش آموزش، اصلاح امور داخلی کشور، اصلاح نفوس، اصلاح قضا، ترویج گفتگو و... سعی در به وجود آوردن زمینه لازم برای نیل به هدف نهایی تربیت سیاسی و تعالی جامعه داشت (حلی، ۱۳۹۸، ۷۱-۷۲). عبده از تفسیر متناسب با نیازهای روز جامعه برای تحقق اهداف اصلاح‌گرایانه خود در تحول اجتماعی و به حرکت درآوردن توده‌های مردم در مسیر حقیقت و عدالت، استفاده می‌نمود (عنایت، ۱۳۹۹، ۱۱۹). عبده در تفسیر قرآن بیش از هر چیز جنبه‌های تربیتی آیات را در نظر می‌گرفت و معتقد بود با فهم درست آیات قرآن و عمل به آموزه‌های آن، سعادت جوامع اسلامی تضمین خواهد شد. اصرار عبده بر استفاده از روش‌های عقلانی در تفسیر به منظور تحقق بخشیدن اصلاحات دینی، اعتقادی، اخلاقی و سیاسی است.

فضل الرحمن ملک برخلاف عبده سابقه‌ای در خصوص امورات سیاسی ندارد و تالیفی هم در خصوص تربیت سیاسی از او در دست نیست و مهم‌ترین اقدام او جستجو برای ارائه راه‌حلی برای حل تعارض گفتمان‌های مدرنیسم و اسلام است و تقریباً تمام آثار و مکتوبات او نیز به همین زمینه مربوط می‌شود. طبعاً در این نوشته‌ها نمی‌توان تبیین یا تعریف مستقیمی از تربیت سیاسی مشاهده کرد. اما چون دغدغه او هم حل چالش‌های جامعه اسلامی و هموار نمودن مسیر کمال مردم مسلمان (یعنی همان غایت تربیت سیاسی) است. مبانی تربیت سیاسی از آثار او که عمدتاً پیرامون هرمنوتیک دو مرحله‌ای و اجتهاد پویا پیرامون احکام اسلامی از قرآن است، استخراج و مطابق نمودار فوق تدوین شده است.

سؤال دوم: اندیشه‌های فلاسفه نوصدرایی (امام خمینی و علامه طباطبایی) در زمینه

تربیت سیاسی چیست؟

برای دستیابی به اندیشه‌های فلسفی و کلامی نوصدرایی در زمینه تربیت سیاسی، با مرور اندیشه‌های فلسفی اندیشمندان نوصدرایی ذیل چهار حوزه هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی به تعیین موضوعات مورد بحث در تربیت سیاسی در ذیل این هر یک از این حوزه‌ها پرداخته و آنگاه با بحث ذیل هر یک از موضوعات در هر حوزه، به استخراج مبانی تربیت سیاسی ذیل هر یک از حوزه‌ها اقدام شد که نتایج به شرح ذیل است.

هستی‌شناسی:

اصالت وجود، واقعیت عینی مصداق مفهوم (صدر الدین شیرازی، ۱۳۸۱، ۱: ۳۴۰)، اصالت واقعیت خارجی (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳۸-۴۱)، محدودیت‌های ماهیت‌گرایی (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ۲: ۱۴۴)، تشکیک و ذی مراتب بودن وجود (صدر الدین شیرازی، ۱۳۸۱، ۱: ۳۴۳؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ۱: ۳۸ و ۱۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۸۱) از امهات بحث هستی‌شناسی نوصدرایی است. ذات مقدس خداوند، واجب‌الوجود، بدون ماهیت در بالاترین مرتبه هستی قرار دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۸۱). خداوند خیر کامل و ولی مطلق و محض است و همه موجودات در مسیر تعالی رو به او، دارند (صدرالمتالهین، ۱۳۸۱، ۱: ۳۴۷-۴: ۱۲۲).

انسان‌شناسی:

انسان، نفس ناطقه، جسمانیه الحدوث و روحانیة البقاء، و مرکب از ماده و ماورا ماده بوده، و در حرکت جوهری اشتدادی در راه استکمال وجودی با اراده و اختیار، جامع مخلوقات، خلیفه خدا بر زمین، و محتاج شریعت است (صدر الدین شیرازی، ۱۴۱۹، ۸: ۴۰۲-۴۱۰؛ طباطبایی، ۱۳۸۶، ۱۶: ۲۴۸؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۱، ۲۶۵؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ۶: ۲۰۱؛ صدر الدین شیرازی، ۱۴۱۹، ۳: ۹۴ و ۱۹۴؛ الیاسی، ۱۳۹۱، ۴۰: ۶۴). او یگانه موجودی است که بین جهان غیب و شهود و محسوس و معقول ارتباط برقرار می‌کند (الیاسی، ۱۳۹۱، ۴۰: ۶۲؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ۸: ۲۵۴؛ اخلاقی و شریعتمداری، ۱۳۸۶، ۷-۸۰؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ۴۱۸).

معرفت‌شناسی:

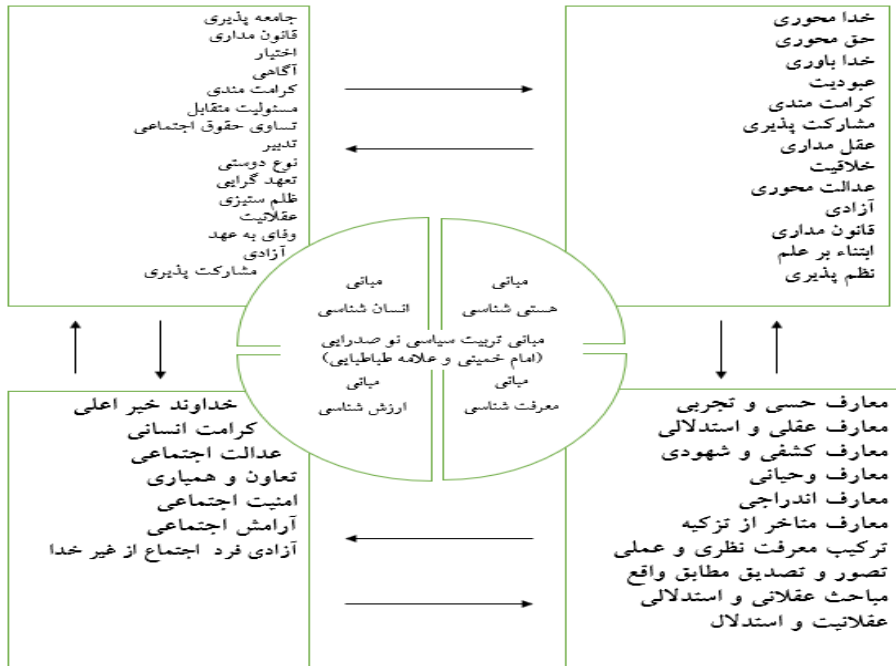
معرفت حقیقی، علم و یقین مطابق با واقع و مشاهده حضوریه حقایق و سرایر عرفان است. مبنای معرفت حقیقی علم حضوری (صدرالمتالهین، ۱۹۸۱، ج ۱: ۹۰-۸۹ و طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱۳۳ و موسوی خمینی، ۱۳۸۱: ۵۸) و ابزارهای آن وحی، شهود و مکاشفه، حواس، عقل هستند (علامه طباطبایی: ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۴۱ و طباطبایی، ۱۳۸۶، ۱۷: ۲۶۵ جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۲۲۵ و طباطبائی، ۱۳۸۶، ۱۹: ۴۳).

ارزش‌شناسی:

ارزش؛ خیر، مستوجب کمال و اعتباری اجتماعی است (صدر الدین شیرازی، ۱۳۸۳، ۲: ۸۳؛ حسنی، ۱۳۹۰، ۲۰۲) همچنین خیر اعلی (خدا)، کرامت ذاتی انسان، عدالت، تعاون و همیاری، امنیت و آرامش اجتماعی، آزادی فرد و جامعه از غیر خدا (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۳: ۲۵۲-۵۰ و طباطبایی، ۱۳۸۶، ۱۸: ۴۸۵ و خمینی، ۱۳۷۹، ۱۱: ۱) او طباطبایی، ۱۳۸۶، ۱۰: ۲۱۰ و ۵۵۶ / ج ۵: ۲۶۵ و ۴۸ و موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ۴: ۱۶۶)، از ارزش‌های مصرح در اندیشه متفکران نو صدرایی هستند.

با بررسی به عمل آمده در حوزه‌های چهارگانه، سیزده مبنای هستی‌شناسی، پانزده مبنای انسان‌شناسی، ده مبنای معرفت‌شناسی و هفت مبنای ارزش‌شناسی برای تربیت سیاسی از منظر نو صدرایی استخراج گردیده، که در نمودار ذیل به نمایش درآمده است.

نمودار ۲. جمع‌بندی اندیشه‌های فلسفی و کلامی نو صدرایی (امام خمینی و علامه طباطبایی)



در زمینه تربیت سیاسی (منبع: یافته‌های پژوهش)

جمع‌بندی اندیشه‌های فلاسفه نو صدرایی (امام خمینی؛ و علامه طباطبایی؛) در زمینه

تربیت سیاسی مبین آن است که علامه طباطبایی، و امام خمینی، دارای شخصیتی جامع‌الاطراف در حوزه‌های، عرفان، فلسفه، اصول فقه و... صاحب اندیشه‌ای منسجم، جامع و منطقی هستند و اندیشه سیاسی هر دو نشئت گرفته از نوع نگاه خاص این اندیشمندان در حوزه‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی است که مبانی، محدوده، چارچوب و اهداف در اندیشه سیاسی این بزرگواران را تحت تأثیر قرار داده است.

اگرچه علامه طباطبایی، و امام خمینی، هیچ‌کدام در آثار خود به طور مستقیم در خصوص تربیت سیاسی اظهار نظر نکرده‌اند، اما با توجه به سیره علمی و عملی ایشان و آنچه در آثار قلمی و سخنرانی‌های هر دو اندیشمند مشهود است، به این موضوع توجه خاص داشته‌اند و مبانی متعدد تربیت سیاسی که از آثار ایشان که - در مجموع نشان‌دهنده نوع نگاه اندیشمندان نوصدرایی به این مقوله است - استخراج شده مبین هم امر است.

علامه طباطبایی و امام خمینی که در این پژوهش تفکرات ایشان در باب تربیت سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است. عالمانی روحانی و آگاه به باورهای اسلامی هستند. و کنکاش در اندیشه‌های ایشان نشان می‌دهد که تشریح و تبیین باورهای اسلامی برای اعتلای مردم هدف آن‌هاست. در نظر ایشان «تربیت» و «سیاست» برآمده از آموزه‌های قرآنی، روایات و مبتنی بر مبانی فقهی و اصولی، فلسفی، کلامی، و عرفانی یک مفهوم است. در اندیشه توحیدی اندیشمندان نوصدرایی که تفکراتشان مورد بررسی قرار گرفت، مهم‌ترین هدف، تربیت انسان برای قرار گرفتن در مسیر تعالی و رسیدن به مقام «عبد صالح» است.

در نگاه نوصدرایی حقیقت سیاست را در تبیین انبیاء و ائمه معصومین می‌توان جست، و این حقیقت چیزی نیست جز عامل بستر ساز رشد و تعالی انسان در ابعاد مختلف. علمای نوصدرایی سیاست را به معنای حفظ مصالح و رسیدن به سعادت حقیقی انسان‌ها با کمک گرفتن از عقل و خرد، بر پایه اختیار، آزادی و استقلال تحت لوای احکام اسلامی معرفی می‌کنند که به وسیله انبیاء و پیروان راستین آن‌ها، به‌دوراز هرگونه دروغ، فریب و تزویر به تحقق حکومت عدل و انسانی در جامعه می‌انجامد و از همین رو، این سیاست را سیاست الهی می‌شناسند؛ و در مقابل منشأ بد اخلاقی‌هایی همچون ظلم، بی‌عدالتی، جنگ و... را به دلیل وجود حاکمان جور که سیاست شیطانی را در جوامع انسانی در پیش گرفته‌اند، می‌دانند.

لذا بطور خلاصه می‌توان تربیت سیاسی از دیدگاه فلاسفه نوصدرایی را، هدایت آگاهانه متر بیان در مسیر سیر الی الله دانست که محتوی نمودار ۲ نمایان گر مبانی تربیت سیاسی از نگاه آن‌هاست.

جدول شماره ۱: تجمیع مبانی چهارگانه مشترک نومعتزله و نوصدرایی در تربیت سیاسی

مبانی ارزش‌شناسی مشترک نومعتزله و نوصدرایی در تربیت سیاسی	مبانی معرفت‌شناسی مشترک نومعتزله و نوصدرایی در تربیت سیاسی	مبانی انسان‌شناسی مشترک نومعتزله و نوصدرایی در تربیت سیاسی	مبانی هستی‌شناسی مشترک نومعتزله و نوصدرایی در تربیت سیاسی
عدالت ورزی	معارف عقلانی و استدلال	اختیار	خدا محوری
آزادی فرد و اجتماع از غیر خدا	معارف وحیانی	آگاهی	خدا باوری
وفق و مدارا	معارف حسی و تجربی	تعهد گرایی	دین محوری
تعامل اجتماعی	عقلانیت و استدلال	ظلم ستیزی	حق طلبی
تعاون و همیاری	خرد جمعی عقلاء	کرامت مندی	عقلانیت
----	معارف عقلانی و استدلال	تساوی حقوق اجتماعی	عدالت محوری
----	----	مسئولیت پذیری	موجودیت اجتماعی
----	----	مشارکت جویی	عبودیت
----	----	آزادی	خلاقیت
----	----	قانون مداری	ابتناء بر علم
----	----	نوع دوستی	---

(منبع: یافته‌های پژوهش)

مطابق جدول، برای هستی‌شناسی ده مبانی مشترک، برای انسان‌شناسی یازده مبانی مشترک برای معرفت‌شناسی شش مبانی مشترک، برای ارزش‌شناسی پنج مبانی مشترک و مجموعاً سی و دو مبانی مشترک در تربیت سیاسی از مبانی فلسفی و کلامی نومعتزله و

نوصدرایی استخراج شده است. بیشترین مبانی مشترک از انسان‌شناسی و بعد از آن بیشترین مبانی مشترک از هستی‌شناسی نومعتزله و نوصدرایی استخراج شده‌اند. تقریباً همه مبانی مشترک استخراج شده سویه اجتماعی دارند که علت آن را می‌توان در این دانست که اندیشمندان نوصدرایی و نومعتزله هر دو انسان را موجودی اجتماعی می‌دانند که برای برطرف کردن نیازهای خود و همچنین توسعه و تعالی به اجتماع و ضروریات آن احتیاج دارند. از طرف دیگر، غایت تربیت سیاسی آماده‌سازی بستر حیات طیبه برای پرورش عبده صالح است که این مطلوب نیز جز در اجتماع امکان‌پذیر نیست. لذا مبانی تربیت سیاسی مستخرج که زمینه اجتماعی دارند دارای فراوانی قابل قبول در جدول فوق هستند.

سؤال سوم: چارچوب نظری تربیت سیاسی برای جهان اسلام مستخرج از اندیشه‌های مشترک فلسفی - کلامی نومعتزله و فلاسفه نوصدرایی.

مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی مشترک نومعتزله و نوصدرایی در تربیت سیاسی، همچنین، تعریف تربیت سیاسی مشترک از نظرگاه اندیشمندان دو نحله، و نیز تبیین هدف تربیت سیاسی مشترک برای آن‌ها، و تبیین و تعریف مؤلفه‌های تربیت سیاسی مشترک، اجزای چارچوب نظری تربیت سیاسی مشترک را تشکیل می‌دهند. مبانی مشترک تربیت سیاسی در جدول شماره ۱ ارائه گردید در این قسمت با استفاده از مبانی تربیت سیاسی مشترک به تعریف تربیت سیاسی، هدف مشترک تربیت سیاسی و مؤلفه‌های تربیت سیاسی پرداخته و با تکمیل این اجزاء چارچوب نظری تربیت سیاسی مشترک جهان اسلام ارائه می‌گردد.

تعریف تربیت سیاسی برای جهان اسلام

با توجه به مبانی تربیت سیاسی از منظر نومعتزله و سیره عملی و دیدگاه‌های اندیشمندان این نحله کلامی - فلسفی؛ تعریف تربیت سیاسی از دیدگاه آنان بدین صورت استنتاج گردیده است: «تربیت سیاسی مراجعه عقلانی، آزادانه، اختیاری و آگاهانه به سمت ارزش‌های راستین اسلام در بستر آموزه‌های دینی با عنایت به مقتضیات زمانی و مکانی است». همچنین با عنایت به مبانی تربیت سیاسی استخراج شده از اندیشه‌های فلسفی نوصدرایی و

سیره عملی آنان که تربیت سیاسی را قرار گرفتن افراد در مسیر سعادت تلقی کرده و روی آوردن آزادانه و آگاهانه به سمت ارزش‌های الهی می‌دانند، می‌توان تعریف تربیت سیاسی از منظر ایشان را این‌چنین تعریف کرد: «تربیت سیاسی به معنای انتخاب، معقول، ارادی، آزادانه و آگاهانه عزیمت به سمت ارزش‌های والای انسانی و الهی در بستر آموزه‌های دینی و توحیدی است». با عنایت به تعاریف ارائه شده از تربیت سیاسی از نگاه اندیشمندان نومعتزله و نوصدرایی و با توجه به مطالب گفته شده به نظر می‌رسد، تعریف ذیل از تربیت سیاسی واجد مشترکات دو نحله و برآورد کننده انتظارات قید شده از تربیت سیاسی باشد: «تربیت سیاسی فرآیندی عقلانی، آگاهانه، اختیاری، تعاملی و زمینه‌ساز تعالی‌متریان با اراده، مسئولیت‌پذیر، نقش‌آفرین، عدالت‌خواه، صلح‌جو، وحدت‌طلب و ظلم‌ستیز است».

هدف تربیت سیاسی برای جهان اسلام

با توجه به اندیشه‌های کلامی و فلسفی اندیشمندان نومعتزله و نوصدرایی در خصوص تربیت سیاسی و مبانی مشترک تربیت سیاسی مستخرج از این اندیشه‌ها و همچنین با عنایت به تعریف تربیت سیاسی استخراج شده از اندیشه این دو جریان، هدف کلی تربیت سیاسی عبارت است از: «پرورش آگاهانه و اختیاری انسان‌های متدین، آزاده، منطقی و با اراده است که با در نظر داشتن مصالح اخروی و تعالی‌جامعه اخلاق‌مدار، سازمان‌دهی امور زندگی دنیوی را نیز در بستر آموزه‌های دینی مدنظر دارند».

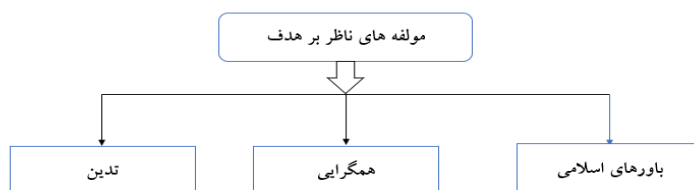
مؤلفه‌های مشترک تربیت سیاسی برای جهان اسلام

با بررسی مبانی مشترک تربیت سیاسی صدرایی و ملاحظه تعریف و هدف مشترک تربیت سیاسی از منظر نومعتزله و نوصدرایی، مؤلفه‌های مشترک تربیت سیاسی نیز در ابعاد چهارگانه ناظر به هدف، زمینه‌سازها، زیست اجتماعی و سلوک شخصی قابل بحث خواهد بود.

۱. منظور از مؤلفه، عناصر یا اجزای تشکیل دهنده یک مبحث است که بدون داشتن آنها نمی‌توانیم آن مبحث را تجزیه و تحلیل کنیم.

مؤلفه‌های مشترک تربیت سیاسی (ناظر به هدف):

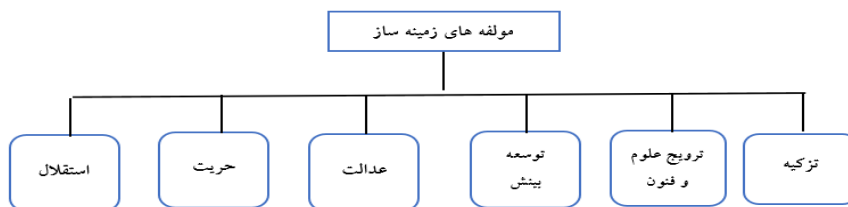
مؤلفه‌های ناظر به هدف عبارت از باورهای توحیدی، همگرایی و تدین هستند. همان‌طور که از عنوان‌شان پیداست، این مؤلفه‌ها متضمن رسیدن به اهداف اساسی و مصرح در تربیت سیاسی یعنی تعالی در بستر دین و جامعه متعالی هستند.



نمودار ۳: مؤلفه‌های مشترک تربیت سیاسی ناظر به هدف
(منبع: یافته‌های پژوهش)

مؤلفه‌های مشترک تربیت سیاسی (ناظر به زمینه‌سازها)

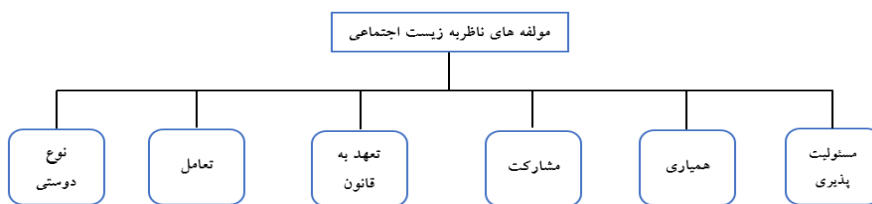
مؤلفه‌های زمینه‌ساز که عبارتند از: تزکیه، ترویج علوم تجربی، توسعه بینش، عدالت، حریت و استقلال. این مؤلفه‌ها بسترساز تحقق بخشی از اهداف تربیت سیاسی مشترک هستند که این خود نشان‌دهنده آن است که در تربیت سیاسی می‌بایست به همه وجوه با اهمیت یکسان توجه شود.



نمودار ۴: مؤلفه‌های مشترک تربیت سیاسی ناظر به زمینه‌سازها.
(منبع: یافته‌های پژوهش)

مؤلفه‌های مشترک تربیت سیاسی (ناظر به زیست اجتماعی)

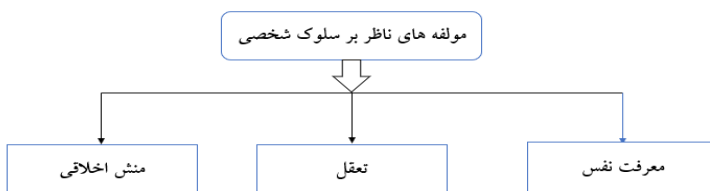
مؤلفه‌های ناظر به زیست اجتماعی که عبارتند از: مسئولیت‌پذیری، همیاری، مشارکت، تعهد به قانون، تعامل و نوع‌دوستی، ارکان زندگی اجتماعی از منظر اندیشمندان نومعتزله و نو صدرایی را نشان می‌دهد که با اجرای تربیت سیاسی در چگونگی زندگانی اجتماعی متربی تربیت سیاسی تبلور می‌یابد.



نمودار ۵: مؤلفه‌های مشترک تربیت سیاسی ناظر به زیست اجتماعی
(منبع: یافته‌های پژوهش)

مؤلفه‌های مشترک تربیت سیاسی (ناظر به سلوک شخصی)

مؤلفه‌های مشترک تربیت سیاسی عبارتند از: معرفت نفس، تعقل و منش اخلاقی. این سه مؤلفه نشان‌دهنده چگونگی رفتار و عملکرد شخص تربیت شده سیاسی بر اساس اندیشه‌هایی است که شرح آن گذشت.



نمودار ۶: مؤلفه‌های مشترک تربیت سیاسی ناظر به سلوک شخصی. منبع: یافته‌های تحقیق

چارچوب تربیت سیاسی برای جهان اسلام که حاصل برهم نهی مشترکات اندیشه‌های فلسفی - کلامی اندیشمندان نومعتزله (با تأکید بر اندیشه‌های عبده و فضل الرحمن ملک) و متفکران نوصدرایی (با تأکید بر تفکرات امام خمینی، و علامه سید محمدحسن طباطبایی) است در نمودار ذیل آمده است.



نمودار ۷: چارچوب نظری تربیت سیاسی برای جهان اسلام مستخرج از اندیشه‌های فلسفی - کلامی

نمودار ۷. نومعتزله و فلاسفه نوصدرایی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

نتیجه‌گیری

برای رسیدن به چارچوب نظری تربیت سیاسی در جهان اسلام، ابتدا اندیشه‌های فلسفی - کلامی نومعتزله با تأکید بر تفکرات شیخ محمد عبده و فضل الرحمن ملک در چهار حوزه هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت که با بررسی مهم‌ترین موضوعات مطرح شده توسط اندیشمندان نومعتزله در هستی‌شناسی سیزده مبنا، در انسان‌شناسی شانزده مبنا، در معرفت‌شناسی ده مبنا و در ارزش‌شناسی نیز ده مبنا برای تربیت سیاسی استخراج و در مجموع سی و هشت مبنا برای تربیت سیاسی از دیدگاه نومعتزله استخراج و تدوین شده است. با به کار بردن همین شیوه در خصوص مکتب

نوصدرایی، اندیشه‌های فلسفی و کلامی این نحله با تأکید بر تفکرات امام خمینی^ع و علامه سید محمدحسین طباطبایی^ع از نظر تربیت سیاسی مورد بررسی قرار گرفت. در هستی‌شناسی سیزده مبنا، انسان‌شناسی پانزده مبنا، معرفت‌شناسی ده مبنا و بالاخره در ارزش‌شناسی هفت مبنا، تربیت سیاسی از منظر نوصدرایی مستخرج گردیده و در مجموع تعداد چهل و پنج مبنا برای تربیت سیاسی از منظر نوصدرایی استخراج و تدوین شده است که با تجمیع مبانی تربیت سیاسی ذیل هریک از حوزه‌های مطالعاتی چهارگانه در مجموع سی و دو مبنا، تربیت سیاسی مشترک بر اساس اندیشه‌های فلسفی — کلامی نومعتزله و نوصدرایی برای جهان اسلام استخراج گردید.

بیشترین مبانی مشترک تربیت سیاسی ذیل حوزه انسان‌شناسی نومعتزله و نوصدرایی استخراج شده و بعد از آن بیشترین مبانی مشترک تربیت سیاسی، ذیل هستی‌شناسی نومعتزله و نوصدرایی استخراج شده‌اند. این امر از آنجا ناشی می‌شود که مبانی هستی‌شناسی اسلامی پایه افکار و اندیشه‌های فلسفی و کلامی هر دو نحله (از نومعتزله عبده و فضل الرحمن ملک و از نوصدرایی علامه طباطبایی؛ و امام خمینی؛) است. بنابراین همگرایی بالای این دو نحله در مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی دور از انتظار نبوده است. تقریباً همه مبانی مشترک استخراج شده سویه اجتماعی دارند که علت آن را می‌توان در این دانست که اندیشمندان نوصدرایی و نومعتزله هر دو انسان را موجودی اجتماعی می‌دانند که برای برطرف کردن نیازهای خود و همچنین توسعه و تعالی به اجتماع و ضروریات آن احتیاج دارند. آماده‌سازی بستر حیات طیبه برای پرورش عبده صالح غایت تربیت سیاسی است که این مهم جز در اجتماع امکان‌پذیر نیست.

با نگاهی گذرا به مبانی تربیت سیاسی مشترک مشخص می‌شود که بیشترین تأکید در این مبانی، بر خدامحوری، حضور و دخالت آموزه‌های دینی در زندگی انسان، عقلانیت و زیست اجتماعی و مدنی انسان است. گرچه هم اندیشمندان نومعتزله که تفکرات فلسفی و کلامی ایشان در تربیت سیاسی مورد بررسی قرار گرفت (عبده و فضل الرحمن ملک) و هم اندیشمندان نوصدرایی که اندیشه ایشان در این مورد بررسی شد هیچ‌کدام به سکولاریسم اعتقادی نداشته و همه آنان صراحتاً به مخالفت با آن پرداخته‌اند، اما باید توجه داشت که در

میان اندیشمندان نومعتزله (عبده و رحمن) و متفکران نوصدرایی (امام خمینی؛ و علامه طباطبایی؛) بر سر ساختار و شکل حکومت توافق برقرار نیست و هر یک از این اندیشمندان با توجه به مقتضیاتی که در جامعه با آن مواجه بوده‌اند شکلی از حکومت را ارائه نموده‌اند؛ اما همه بر این نکته متفق القولند که مشروعیت حکومت در جامعه از خداست اما مقبولیت و اجرا احکام حکومتی در گرو پذیرش آن از سوی افراد تشکیل دهنده جامعه است.

با توجه به تعریفی که از تربیت سیاسی ارائه شد - تربیت سیاسی؛ فرآیندی عقلانی، آگاهانه، اختیاری، تعاملی و زمینه‌ساز تعالی متریان با اراده، مسئولیت‌پذیر، نقش‌آفرین، عدالت‌خواه، صلح‌جو، وحدت طلب و ظلم‌ستیز است - تربیت سیاسی ضمن آنکه متضمن هموار کردن مسیر رشد و تعالی متریان برای رسیدن به مقام عبد صالح است، باید در فرآیندی مطابق موازین عقلانی، آگاهانه، با اختیار و تعاملی انجام شده و در نهایت به تربیت انسان‌هایی با اراده، پذیرای مسئولیت، نقش‌آفرین در سرنوشت خود و جامعه، عامل به عدالت، عدالت‌جو و عدالت‌خواه، صلح‌جو و صلح‌طلب، خواهان همگرایی و مودت در جوامع اسلامی که تحت هیچ شرایطی انقیاد به غیر از خدا را بر نمی‌تابند و همواره در مبارزه با ظلم و تعدی نسبت به خودشان، دیگران و جامعه قرار دارند، منجر شود.

هدف مشترک تربیت سیاسی «پرورش آگاهانه و اختیاری انسان‌های متدین، آزاده، منطقی و با اراده است که با در نظر داشتن مصالح اخروی و تعالی جامعه اخلاق مدار، سازمان‌دهی امور زندگی دنیوی را نیز در بستر آموزه‌های دینی، مدنظر دارند». در این تعریف نیز کلیدواژه‌های اصلی: تعالی، تعقل، آگاهی، اختیار و اراده هستند. و با توجه به اینکه بستر تعالی معنوی و حیات جاودان در همین دنیا محیا می‌شود، چگونگی زیست در این دنیا نیز از دغدغه‌های اندیشمندان عالم و اندیشمندان مسلمان نومعتزله و نوصدرایی هست که در تعریف هدف تربیت سیاسی تبلور یافته است. مؤلفه‌های استخراج شده برای تربیت سیاسی شامل چهار گروه مؤلفه‌های ناظر به هدف، مؤلفه‌های زمینه‌ساز، مؤلفه‌های ناظر به زیست اجتماعی و مؤلفه‌های ناظر به سلوک شخصی متضمن برآورده شدن همه فرازهای تعریف و هدف تربیت سیاسی مشترک هستند.

با عنایت به نتایج به دست آمده، چارچوب نظری تدوین شده برای تربیت سیاسی جهان

اسلام نشان داد که علیرغم برخی اختلاف‌ها، اندیشه‌های اندیشمندان نومعتزله و متفکران نوصدرایی در حوزه تربیت سیاسی اسلامی در ذات خود واجد همسویی‌های لازم برای تدوین نظام تربیت سیاسی مشترکی هستند، که اگر در دستور کار ممالک اسلامی واقع شود از اختلافات و تعارضات ظاهری خواهند کاست و همسویی و وحدت نظر و عمل قابل توجهی در اتحاد ملل مسلمان برای نیل به پیشرفت و توسعه وجود خواهد داشت.

با عنایت به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود:

- با تمسک به این چارچوب، وحدت رویه‌ای جهت تربیت سیاسی شهروندان، گزینش مدیران سیاسی، ایجاد همبستگی سیاسی، حفظ قدرت سیاسی، اجتماعی کردن افراد برای نظام‌های سیاسی، نقد نظام سیاسی موجود و تربیت شهروندان متحد اسلامی ایجاد شود.
- با استفاده از چارچوب نظری حاضر، نسبت به تبیین اصول و روش‌های تربیت سیاسی منبعث از مبانی مشترک و تکمیل نظریه تربیت سیاسی مشترک جوامع اسلامی اقدام گردد.
- با استفاده از نتایج پژوهش به تبیین برنامه درسی تربیت سیاسی که متضمن رشد و گسترش روزافزون بینش و دیدگاه‌ها ارزش‌ها، اعتقادات و جهت‌گیری‌ها و عواطف سیاسی مشترک است، اقدام شود.
- با استفاده از نتایج پژوهش به بازبینی اسناد مربوط به تربیت سیاسی و متناسب کردن آن‌ها برای به‌کارگیری در همه جوامع اسلامی (اعم از شیعی و اهل تسنن) اقدام گردد.
- با استفاده از نتایج پژوهش به بازنگری روش‌های تربیت سیاسی در حیطه تعلیم و تربیت رسمی اقدام گردد.
- با استفاده از نتایج پژوهش به ارتقا و اعتلاء سندنویسی‌های تربیتی، اقدام نمایند.

کتابنامه

- آزاد، علی رضا (۱۳۹۸). «نگاهی به رویکرد هرمنوتیکی فضل الرحمان در تفسیر قرآن»، پژوهش دینی، س ۱۹، ش ۸، ص ۱۳۱-۱۴۸.
- ابوزید، نصر حامد (۱۳۹۴). اندیشه و تکفیر، ترجمه محمد جواهر کلام. تهران: نگاه معاصر.
- _____ (۱۳۸۹). معنای متن، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا. تهران: طرح نو.
- اخلاقی، مرضیه و شایسته شریعتمداری (۱۳۸۶). انسان‌شناسی در اندیشه امام خمینی.

تبیین فلسفی - کلامی اندیشه‌های سیاسی نومعتزله و فلاسفه... - حمید علیین (۱۴۲-۱۱۳) / ۱۳۹

تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. *

اسدآبادی، سیدجمال‌الدین و محمد عبده (۱۳۸۳). العروة الوثقی. تهران: طبع و نشر.
الجنیدی، انور (۱۹۸۷). الاسلام فی مواجهه الفلوسفات القدیمة. بیروت: دار الکتب العالمی.
الیاس، جان (۱۳۸۵). فلسفه تعلیم و تربیت، ترجمه عبدالرضا ضرابی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

الیاسی، محمد قاسم (۱۳۹۱). «مبانی نظری انسان‌شناسی حکمت سیاسی متعالیه»، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، س ۴۰، ش ۱۱، ص ۵۵-۸۲.
باجلان، علی (۱۳۹۷). «جریان‌شناسی نوصداریبی در ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی. *

بو عمران، شیخ (۱۳۸۲). مسئله اختیار در تفکر اسلامی و پاسخ معتزله به آن، ترجمه اسماعیل سعادت. تهران: هرمس.

جعفری، محمدتقی (۱۳۶۹). حکمت اصول سیاسی اسلام. قم: بنیاد نهج البلاغه.
جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۶۱)، رساله نظام احسن در جهان هستی، تهران، نشر اوج.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲). سرچشمه اندیشه. قم: اسراء.
چاوشی، سید محمدتقی و سید آصف احسانی (۱۳۹۲). «سیاست در اندیشه فارابی»، حکمت اسراء، س ۱۶، ش ۵، ص ۱۴۷-۱۷۶.

حاجی میرزایی، شبینم (۱۳۹۷). «آرا و اندیشه‌های حسن حنفی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س).

حسنی، ابوالحسن (۱۳۹۰). حکمت سیاسی متعالیه. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
حلبی، علی اصغر (۱۳۹۸). تاریخ اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران. تهران: دانشگاه پیام نور.

حنفی، حسن (۱۳۷۵). «تاریخ‌مندی دانش کلام»، ترجمه محمد مهدی خلجی، نقد و نظر، س ۳، ش ۹، ص ۳۷-۵۷.

————— (۱۹۸۸). من العقیده الی الثورة. بیروت لبنان: دار التنویر.

خدوری، مجید (۱۳۷۶). گرایشهای سیاسی در جهان عرب، ترجمه عبدالرحمن عالم. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۳). کلام جدید. قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه.

دریایی، محمدرسول (۱۳۶۲). لیبرالیسم کعبه آمل غربزدگان. تهران: بنیاد شهید انقلاب اسلامی واحد فرهنگی.

دوورژه، موریس (۱۳۶۹). اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی. تهران: امیر کبیر.
رشاد، علی اکبر (۱۳۷۷). «گفتمان فلسفی نوصدرايي»، قبسات، س ۳، ش ۱۰-۱۱، ص ۵۲-۶۳.

شریعتمداری، علی (۱۳۷۲). تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: امیر کبیر.
شریف، میان محمد (۱۳۷۰). تاریخ فلسفه در اسلام، ترجمه نصرالله پورجوادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳). الشواهد الربوبیه. قم: بوستان کتاب.
————— (۱۳۸۱). کسر أصنام الجاهلیة. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
————— (۱۴۱۹). الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

————— (۱۳۷۴). الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰). اصول فلسفه و روش رئالیسم. تهران: صدرا.
————— (۱۳۸۵). اصول فلسفه و روش رئالیسم. ج ۱ و ۲ و ۳. قم، انتشارات صدرا.
————— (۱۳۸۶). تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طحان، مصطفی محمد (۱۳۸۱). چالش‌های سیاسی جنبش‌های اسلامی معاصر، ترجمه خالد عزیزی. تهران: احسان.

عابدینی، روح الله و سعید بهشتی و شیرین رشیدی (۱۳۹۹). «تربیت سیاسی از منظر قرآن کریم با رویکرد تدبیر سوره ای»، علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، س ۸، ش ۱۴، ص ۲۲۳-۲۴۲.
عالم گرد، گلناز و کامران جباری (۱۳۹۷). «بررسی اهداف و اصول تربیت سیاسی برمبنای اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی معتزله»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، س ۱۶، ش ۴۱، ص ۱۱۷-۱۵۳.

عبداله نسب، محمدرضا و نجمه کیخا (۱۳۹۹). «تربیت سیاسی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای بر اساس نظریه فطرت»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، س ۷، ش ۱۷، ص ۱۰۵-۱۲۸.
عبده، محمد (۱۹۸۹). الاسلام و النصرانیة مع العلم و المدینة. بیروت: دار مکتبه الحیة.
————— (۲۰۰۵). رساله التوحید. قاهره: مکتبه الاسره.

————— (۱۳۷۴). رساله التوحید، ترجمه عبدالله احمدیان. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

————— (۱۳۵۳). رساله التوحید. قاهره: مطبعة المنار.

تبيين فلسفی - کلامی اندیشه‌های سیاسی نومعتزله و فلاسفه... - حمید علیین (۱۴۲-۱۱۳) / ۱۴۱

عبده، محمد و رشید بن علی رضا (۱۹۹۰). تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار). قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

عرب صالحی، محمد (۱۳۹۳). جریان شناسی و نقد اعتزال نو. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

علاقه‌بند، علی (۱۳۷۵). جامعه شناسی آموزش و پرورش. تهران: نشر روان.

عمار، محمد (۱۴۱۴). الاعمال الكاملة للامام محمد عبده. قاهره: دارالشروق.

عنایت، حمید (۱۳۹۹). سیری در اندیشه سیاسی عرب. تهران: امیر کبیر.

فضل الرحمن، ملک (۱۳۹۷ الف). اسلام و مدرنیته، ترجمه زهرا ایران‌بای. تهران: کرگدن.

———— (۱۳۹۷ ب). مضامین اصلی قرآن، ترجمه فاطمه علاقه‌بندی. تهران: کرگدن.

لطیفی، علی (۱۳۹۵). «اندیشه سیاسی آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

مرزوقی، رحمت‌الله (۱۳۷۹). «تربیت سیاسی در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی». پایان‌نامه دکتری تخصصی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). آینده انقلاب اسلامی. تهران: صدرا.

———— (۱۳۸۴). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.

مطیعی، حسنعلی و محمد محمد رضایی و علی اله‌بداشتی (۱۳۹۹). «بررسی نظر نصر حامد ابوزید در تأویل و نقد آن بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی (ع)». فلسفه دین، س ۱۷، ش ۱، ص ۱-۲۲.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵). تقریرات فلسفه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

———— (۱۳۹۱). آداب الصلوة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

———— (۱۳۷۶). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

———— (۱۳۷۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

وصفی، محمدرضا (۱۳۸۷). نومعتزلیان. تهران: نگاه معاصر.

ولوی، پروانه و دیگران (۱۳۹۶). «اندیشه‌های نومعتزله و تعلیم و تربیت»، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، س ۷، ش ۱، ص ۸۴-۱۰۲.

Altine, Zayyanu, and Adam Yusuf Adam. 2019. "An Analysis of the Emergence, Development and Doctrines of the Mu'tazila in The Light of Islamic Perspectives," *South Asian Research Journal of Humanities and Social Sciences* 1 (1): 21-26.

Martin, Richard C., Mark R. Woodward, and Dwi S. Atmaja. 1997. *Defenders of Reason In Islam:*

Mu'tazilism and Rational Theology from Medieval School to Modern Symbol. Oneworld.

- Muhammad, Atta. 2012. "Mutazila-Heresy: Theological and Rationalist Mutazila: Al-mamun, Abbasid Caliph: Al-mutawakkil, Abbasid Caliph: The Traditionalists," *Middle-East Journal of Scientific Research* 12 (7): 1031-1038.
- Rahman, Amilah Awang Abd. 2020. "Between The Classical Mu'tazila and Neo Mu'tazila: An analysis of Harun Nastions modern Islamic Thought in Indonesia," *Journal of Nusantara Studies (JONUS)* 5 (1): 336-355.
- Utlar, Stine Johansen. 2021. "Political education of young children: Teacher descriptions of social studies teaching for children in 1st- 4th grade in the norwegian primary school," *JSSE - Journal of Social Science Education* 20 (3): 102-129.
- Zaini, Muhammad. 2020. "Methods and Thoughts in the Islamic Theology," *al-Lubb: Journal of Islamic Thought and Muslim Culture (JITMC)* 2 (2): 93-114.
- Zavala, Miguel, and Nick Henning. 2017. "The Role of Political Education in the Formation of Teachers as Community Organizers: Lessons From a Grassroots Activist Organization," *Urban Education* 56 (7): 1137-1163.